



# عدم برخورداری از پایگاه اجتماعی

۴





یکی از ادعاهایی که گروهک تروریستی منافقین (مجاهدین خلق) به منظور کسب حمایت سیاسی و مالی در برابر مقامات غربی عنوان می‌کنند، ادعای برخورداری از حمایت اکثریت مردم ایران است که تنها فقط در حد همان ادعا هم باقی می‌ماند، چرا که مردم ایران با شناختی که از گروهک منافقین دارند هیچگونه حمایتی از ایشان نمی‌کنند. این در صورتی است که عدم پشتیبانی مردم ایران از این گروه به حدی واضح است که مقامات غربی نیز بارها به آن اذعان نموده اند. به طور عمده علت تنفر مردم ایران از گروهک منافقین را می‌توان تحت محورهای زیر مورد بحث قرار داد:



۱. عملیات های تروریستی "گروهک منافقین در سالهای آغازین انقلاب اسلامی ترورهای کوری را در سرتاسر ایران و به خصوص تهران آغاز نمودند. آنها در این دوران کسبه، دانشجویان، معلمین و دیگران را به دلایلی نظیر شرکت در مساجد، نصب عکس آیت الله خمینی (ره) در مغازه، گذاشتن ریش و خیره ترور می‌نمودند. بسیاری از مردم ایران در آن بازه تعدادی از اقوام، دوستان و آشنایان خود را به این ترتیب از دست دادند. این ترورها بعد از آن هم به اشکال گوناگون نظیر بمب‌گذاری و خمپاره زنی ادامه یافت. بنابراین مردم ایران گروهک تروریستی منافقین را به چشم جنایتکار و تروریست می‌بینند.

۲. جنگ ایران و عراق: بعد از شروع جنگ ایران و عراق، گروهک تروریستی منافقین (مجاهدین خلق) به عراق رفت و از آنجا نه تنها در حملات و جاسوسی به رژیم صدام کمک می‌کرد، بلکه حتی در عملیاتی مانند «فروغ جاویدان» خود به نمایندگی از صدام به خاک ایران حمله کرد. بنابراین مردم ایران گروهک منافقین را به چشم خائن نگاه می‌کنند.

۳. سرکوب مخالفین و تخریب منتقدین: گروهک منافقین با ساختاری فرقه گونه نه تنها ابراز مخالفت در داخل خود را به حداقل می‌رساند، بلکه هرگونه مخالفتی در بین اعضای خود را نیز به روش‌های مختلف مانند شکنجه، حبس انفرادی و حذف فیزیکی سرکوب می‌کند. علاوه بر آن در خارج از خود نیز نه تنها هیچ نقدی را نمی‌پذیرد، بلکه دهان به توهین به شخص نقد کننده باز می‌کنند. هرکسی که مطلبی در نقد و یا مخالفت با گروهک منافقین منتشر کند، به سرعت به وی القابی همچون مزدور و جاسوس از جانب این گروهک نصیب آن فرد می‌شود. گروهک منافقین این رفتار را در قبال اعضای جدانشده‌ی خود، در قبال سایر اپوزیسیون‌ها و هم در قبال شخصیت‌های خارجی به کار گرفته است. از این روی مردم ایران آنها را بی‌منطق و دیکتاتور می‌دانند.

### در گزارش «۱۱ می» وزارت امور خارجه آمریکا آمده است:

The infographic features seven yellow sticky notes with red pushpins, arranged around a central circular logo. The logo depicts a globe with a red map of Iran and the text 'مجاهدین خلق ایران' (Mujahideen of Iran). The sticky notes contain the following text:

- Sticky Note 1 (Top Left):** تمام ایرانیاتی که مورد سوال واقع شدند به اظهارات MEK مبنی بر تبعیت از ایده آل‌های حقوق بشری و دموکراسی را باور نداشتند.
- Sticky Note 2 (Top Middle):** آنها نسبت به این گروه تنفر شدیدی ابراز می‌نمایند، که بیشتر به دلیل اتحاد با صدام حسین در طول جنگ ۸ ساله ایران و عراق است.
- Sticky Note 3 (Top Right):** اطلاعاتی روایی که هم از ایرانیان معمولی داخل و خارج از کشور و هم از تحلیلگران ایرانی جمع آوری شده است قویا نشان می‌دهد که گروه اپوزیسیون MEK پشتیبانی مردمی چشمگیری در داخل ایران ندارد.
- Sticky Note 4 (Middle Left):** این گروه از سال ۱۹۷۹ بیشتر شبیه یک فرقه شخصیت محور بر پایه یک رهبری است تا یک جنبش سیاسی برپایه مردم.
- Sticky Note 5 (Middle Right):** حتی اپوزیسیون‌های سرسخت ایران و اقلیت‌های مذهبی مورد آزار واقع شده نیز چنین اعتقادی دارند، مانند بهائیان ایرانی که می‌گویند، آن‌ها دولت فعلی ایران را به یک دولت وابسته به MEK ترجیح می‌دهند.
- Sticky Note 6 (Bottom Left):** این قابل توجه است که پشتیبانی MEK قدیمی است که حتی دولت بوش هم - علی‌رغم سیاست‌های خصمانه اش علیه ایران - راضی به انجامش نبود.
- Sticky Note 7 (Bottom Middle):** برجسته ترین سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی - شامل دیدبان حقوق بشر و عفو بین‌الملل - MEK را به عنوان یک ساختار غیر دموکراتیک و شبه فرقه ای تشکیلاتی مشخص کرده اند.
- Sticky Note 8 (Bottom Right):** قویا به نظر می‌رسد این گونه باشد که هرگونه افزایش نمائشی حمایت دولت آمریکا از این گروه، به هدف آزادی و دموکراسی در ایران کمک نخواهد کرد. بلکه برعکس تنها به فهم عمومی ایرانیان معمولی از ایالات متحده ضربه خواهد زد.

Ref: US State Department report, 2011, section (Summary) and Line (3)

### علت تفر مردم ایران از MKO

- ۱ عملیات تروریستی**  
انجام ترورهای کور تروریستی در ساوهای آتازین انقلاب (کسبه، دانشجویان، معلمین و...)
- ۲ جنگ ایران و عراق**  
کمک به رژیم صدام در حملات و جاسوسی، یورش به خاک ایران در عملیات «فروغ جاویدان» به نمایندگی از صدام
- ۳ سرکوب مخالفین و تخریب منتقدین**  
سرکوب مخالفان از طریق شکنجه، حبس و... تخریب منتقدان از طریق القابی همچون مزدور، جاسوس و...
- ۴ دو رویی**  
عدم تطابق پوسنه بیرونی و ماهیت درون گروهی، مصلحت طلبی مطلق و حفظ ظاهر به گونه ای که به منافعهشان کمک کند.
- ۵ ضدیت با ایران**  
تلاش برای شدت بخشیدن به تحریم ها علیه ایران با آمیختن اطلاعات غلط و درست، و صرف هزینه های سنگین در لابی گری های خود



TerrorSpring

## عدم وجود پایگاه اجتماعی در اظهارات و گزارشات بین المللی

در ادامه به چند مورد از اظهارات و گزارشات نهادها و شخصیت‌های غربی در این باره می‌پردازیم:

وزارت خارجه آمریکا در می ۲۰۱۱ گزارشی با عنوان «گرایش‌های مردمی ایران در برابر مجاهدین خلق» منتشر نمود و در آن به تحلیل محبوبیت گروهک تروریستی منافقین (مجاهدین خلق) نزد ایرانیان داخل و خارج از کشور پرداخت. قسمت‌هایی از این گزارش به قرار زیر است:

این گزارش بر مبنای ورودی‌هایی است که از طریق ناظران ایران در وزارت خارجه و افسران کنسولگری‌ها در پست‌های اصلی که با ایرانیان تعامل دارند به صورت منظم جمع‌آوری شده است، شامل: آنکارا، باکو، برلین، دوی و استانبول.<sup>۱</sup>

اطلاعات روایی که هم از ایرانیان معمولی داخل و خارج از کشور و هم از تحلیلگران ایرانی جمع‌آوری شده است نشان می‌دهد که گروه اپوزیسیون گروهک منافقین پشتیبانی مردمی چشمگیری در داخل ایران ندارد. ... آنها نسبت به این گروه تنفر شدیدی ابراز می‌کنند، که بیشتر به دلیل اتحاد با صدام حسین در طول جنگ ۸ ساله ایران و عراق است. تمام ایرانیانی که مورد سوال واقع شدند به اظهارات گروهک منافقین مبنی بر تبعیت از ایده‌آل‌های حقوق بشری و دموکراسی باور نداشتند. حتی اپوزیسیون‌های تندرو در ایران و اقلیت‌های مذهبی مورد آزار واقع شده نیز چنین اعتقادی دارند مانند بهاییان ایرانی که می‌گویند: آن‌ها دولت فعلی ایران را به یک دولت وابسته به گروهک منافقین ترجیح می‌دهند.<sup>۲</sup>

هم اکنون حامیان گروهک منافقین ادعا می‌کنند که این گروه از خشونت به عنوان یک ابزار صرف نظر کرده است و به دنبال یک ایران سکولار و دموکراتیک است. در حالی که سرزنش کنندگان آن ادعا می‌کنند که این گروه از سال ۱۹۷۹ بیشتر شبیه یک فرقه‌ی شخصیت‌محور بر پایه‌ی یک رهبر است تا یک جنبش سیاسی برپایه مردم.<sup>۳</sup>

۱- گزارش وزارت خارجه آمریکا، ۲۰۱۱، بند (۱)

۲- همان، بخش «Summary»

۳- همان، بند (۳)



MEK از جهل عمیق (بیشتر در میان جوانان) تا نفرت بسیار شدید (آنهايي که با تاریخچه آنان بیشتر آشنا هستند) متغیر است.<sup>۶</sup>

نقا، قوا، هاء، زيب از جانب تحليلگران برجسته ايران، معاص

### عدم وجود پایگاه اجتماعی در اظهارات و گزارشات بین المللی

وزارت خارجه امريکا در می ۲۰۱۱ گزارشی با عنوان «گرايشات مردمی ايران در برابر MEK» منتشر نمود و در آن به تحليل محبوبيت MKO نزد ایرانیان داخل و خارج از کشور پرداخت.

این گزارش بر مبنای ورودی هایی است که از طریق ناظران ایران وزارت خارجه و افسران مصاحبه کنسولگری ها در پست های اصلی ای که با ایرانیان تعامل دارند به صورت منظم جمع آوری شده است، شامل: آنکارا، باکو، برلین، دوی و استانبول



Ref: US State Department report, 2011, Line (1)

۶- همان، بند (۷)

رهبر گروهک نیز سعی می کند با ازیردستانش همچون برده ها برخورد کند. در صحبت با ایرانی های جوان تر (به عبارت دیگر بیشتر جمعیت) نیز متوجه می شویم که این عدم حمایت هم ناشی از «فعالیت های خیانت کارانه» در پشتیبانی از عراق در طول جنگ است و هم ناشی از نبود اطلاعات کافی به دلیل عدم حضور تأثیرات MEK در داخل ایران.<sup>۴</sup>

فارغ از این که ایالات متحده آن را به عنوان یک سازمان تروریستی در نظر بگیرد یا نه، MEK از هرگونه حمایت مردمی چشمگیری در ایران برخوردار نیست، و با توجه به میزان شناخت ایرانیان از این گروه، به نظر می آید آنها بیشتر با این تصمیم مخالفت کنند تا این که حمایتش کنند. ... صد در صد به نظر می رسد این گونه باشد که هرگونه افزایش نمایش حمایت دولت امریکا از این گروه، به هدف آزادی و دموکراسی در ایران کمک نخواهد کرد. بلکه برعکس تنها به فهم عمومی ایرانیان معمولی از ایالات متحده ضربه خواهد زد و همچنین می تواند حمایت از احمدی نژاد و دیگر سرسخت ها را افزایش دهد.<sup>۵</sup>

... تحلیلگران سیاسی که بر ایران معاصر تمرکز کردند، همگی متولد ایران هستند. این تحلیلگران بدون استثناء می گویند که گروهک منافقین از هیچگونه حمایت چشمگیری در داخل ایران برخوردار نیست، به این صورت که واکنش های مردم ایران به

۴- همان، بند (۵)

۵- همان، بند (۹)



دمکراتیک دروغ می‌گوید. ... وقتی در وقایع پس از انتخابات ۲۰۰۹ ایران، نا آرامی‌ها شروع شد، گروهک منافقین به سرعت سعی کرد به اپوزیسیون فعال دولت فعلی در ایران ملحق شود. اما با ادعای پیوند با این اپوزیسیون بومی، گروهک منافقین نامش را به رأی‌دهندگان واقعی آزاد متصل کرد. ... پشتیبانی بیش از پیش دولت آمریکا از گروهک منافقین احمدی‌نژاد و دیگر تندروها را در ایران تقویت خواهد نمود، و در پی آن افزایش مضاعف پشتیبانی داخلی کلی از آنها را در پی خواهد داشت. ... این کار هر فرصتی را جهت نزدیک شدن به دولت ایران و پیشرفت دمکراتیک به طرز چشمگیری کاهش خواهد داد. مردم ایران این را نخواهند بخشید و فراموش نمی‌کنند؛ مخصوصاً با در نظر گرفتن تاریخ پیرامون سیاست‌های ایالات متحده در مورد مصدق و شاه. و این یکی از اشتباهات اصلی است که متوجه رابطه‌ی ایالات متحده و ایران تا به امروزه است. این قابل توجه است که پشتیبانی گروهک منافقین قدمی است که حتی دولت بوش هم - علیرغم سیاست‌های خصمانه‌اش علیه ایران - راضی به انجامش نبود. حتی آنها هم درک کردند که افزایش پشتیبانی از گروهک منافقین تمام چالش‌ها و مشکلاتی که سیاست ایران در حال حاضر در قابل دولت ایالات متحده قرار می‌دهد را تشدید خواهد نمود. ... هرگونه پشتیبانی ایالات متحده از گروهک منافقین به شهرت‌ش در بین ایرانیان لطمه‌ی شدیدی خواهد زد و احساسات ضد امریکایی را در ایران تشدید می‌کند. ... آن‌ها فرض خواهند کرد که قصد ایالات متحده



... نمایانگر بازخوردهایی است که دریافت شده است: ... برجسته‌ترین سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی - شامل دیدبان حقوق بشر و عفو بین‌الملل - گروهک منافقین را به عنوان یک ساختار غیر دمکراتیک و شبه فرقه‌ای تشکیلاتی مشخص کرده‌اند که اسلوب عملکردی است که نسبت به ادعایش در مورد تغییرات

را داد .... یکی از مواردی که بسیاری از ایرانی‌ها هیچوقت آنها را به خاطرش نخواهند بخشید، جنگیدن به عنوان متحد صدام حسین علیه وطنشان است.<sup>۹</sup> او در قسمت دیگری از مصاحبه می‌گوید که گروهک منافقین را خوب می‌فهمد و نگران این است  
-۹ گزارش BBC World Service، ۷ آوریل ۲۰۱۲، ص ۲



اظهارات سفیر جان لیبرت (مقام سابق وزارت خارجه آمریکا) که جزء گروهان های آمریکایی بوده، در مصاحبه ای در سال ۲۰۱۲:

MEK یک کارزار قتل راه انداخته بود. شامل حزب حاکم در ژوئن ۸۱ که حدود ۸۰ نفر را کشت، منجمه تعدادی از رهبران مذهبی خیلی خیلی برجسته. صدام حسین که داشت با ایرانی ها در دهه ۸۰ می جنگید به آن ها پیشنهاد مکان، تأسیسات کمپ و سلاح را داد. یکی از چیزهایی که بسیاری از ایرانی ها هیچوقت آن ها را به خاطرش نخواهند بخشید، جنگیدن به عنوان متحد صدام حسین علیه وطنشان است.



Ref: the BBC World Service's report, April 7, 2012, P2

ارتقای آزادی و دمکراسی در ایران نیست، بلکه تنها دنبال به تاراج بردن کشور است.<sup>۷</sup>

در رأی ۲۰۱۲ دیوان عالی انگلستان نیز در مورد گروهک منافقین آمده است: سابقه‌ی سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در مورد خشونت تروریستی شامل انجام عملیات‌های انتحاری و بمب‌گذاری‌های بیشماری که جان صدها انسان بیگناه را می‌گیرد... و شرکت کردن در جنگ ایران-عراق، که برای خود شیرینی کردن با صدام حسین دست دوستی دادند تا بتوانند به نوعی حمایت‌های بیشتری را جذب کنند... باعث شده است که در سطح جمعیت عمومی ایران طرفداری نداشته باشد، حتی در میان سازمان‌های ضد حکومت، معترضین و اپوزیسیون جنبش سبز که به خوبی شناخته شده است علناً از آنها اعلام برائت نموده است.<sup>۸</sup>

سفیر جان لیبرت (مقام سابق وزارت خارجه آمریکا) که جزء گروهان‌های آمریکایی بوده، در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۱۲ اظهار می‌دارد: گروهک منافقین (مجاهدین خلق) یک قتل عام راه انداخته بود. شامل حزب حاکم در ژوئن ۸۱ که حدود ۸۰ نفر را کشت، از جمله تعدادی از رهبران مذهبی خیلی برجسته... صدام حسین که داشت با ایرانی‌ها در دهه‌ی ۱۹۸۰ می‌جنگید به آن‌ها پیشنهاد در اختیار گذاشتن مکان، تأسیسات کمپ و سلاح

-۷ همان، بند (۸)

-۸ رأی دادگاه دیوان عالی انگلستان، ۲۰۱۲، صص ۴-۵

که ایکن گوو و بیتوا انتلاری بیجیگه و ما انگری و واکران و ویکومتی تمکافقیان (اضطهاد یکنانه خلقی) انضباطی کمیده هسد که سدازل هلن بطرحا وهانین تخلاق بو مللفع "خورد لهی کینت؛ مل غلهه لیرظانی غی خود مل نیشو تا طوم ای تی نظار امی کنچاشدم گنه انزه مسلفعخ آنون فریقه متر کاوهیک یکنن. دیه ووی کلوتد د تیگز سوسیوی کلندو و پکنه سایه تی بیرومنی گگرموع یطابلن» و ژیت است با ماهیت و درون گروه همخوانی نامقا یسواج مل تخلاق جزیه لارن جفا ملن متقامل انگریغیر اولوبه سگرا بق، او ویکران نیبنا وجودو بیلور گیفته ایدائو لوسوزی البتلا و کسه میمانظرو و کته رقیبانی اختاره شلرکت تصمیمیتیم به بلعظمای مل جلهدی گن و مخایق دجهلن نیاتو شلن ببلصتلملین عطیایع جهل هارین جالس اهلمای کشلان بو اوهاملج لیرانیدی هر اوجیتقوال جفگده ه لختمان نیکس یابیرلن گراوشلاریق ملرک سینیان تی یخود حوالینهلای شموله ملن رد زلهوران وار تقظوهیو معتزده به اسلامگ انگریجه شلارن قوماق ایجا همیه نوزخلق هوکویلی مبولی جفندیب امخلطکه بیبلشیلو فیلدتریچن بگروه از ابقرلابیلوس لاوک شنیورکاسبه دلایل لئوسو قاطبی گنبه تیظو مرهر رلندیکه ایلیک گفرومیتهجا ورنگر و مللنی لام گرافتقش دیرجملنه اتی تخالفتنه اسلامگرایلی ایلمته طاصرنو لند و ملنعی مانیافتنکه مخیلدینساز مطویدا فیلند و ظاهرا چارفاکانا انتقالالی اسلامی (انگریجه من طلو قد غیو قانوزی نسلست صلخنه

به دنبال جمع آوری اسلحه و تصاحب دولت بودند تا از درون اسلامی گراها را کنار بزنند و خودشان رهبری حکومت را به دست بگیرند. بعد از عزل بنی صدر توسط مجلس هم که راه نفوذ آنان به

موسسه آمریکن اینتربرايز نیز در پی تحقیقات خود دربارهی گروهک منافقین در تأیید این مطلب می نویسد: «مجاهدین دولت بسته شد ته مبارزه بی علنی علیه ایران پرداختند. اما به دلیل خلق فرقه ای دزدگو («dishonest») و جتدش او («creepy») نیاز به حمایت غربی جهت مبارزه با دولت ایران، به رغم موصاع است که مورد تنفر مردم ایران می باشد. سناتور گوین در «ضد امپریالیستی» و به خصوص ضد امپریالیستی خود در زمان شاه و کتاب خود می نویسد: در سپتامبر ۱۹۸۱، ایران توسط عراق مورد حمله و سرنگین در سال های اولیه ی پیش از انقلاب اسلامی، خود را طرفدار

غربی جلوش میبازد. او برخلاف دیکتاتوری درونی مریم و مسعود رجوی و رفتار انتقادی پیکر خود نسبت به منتقدین بیرونی، خود را طرفدار دموکراسی نشان می دهد. [www.commentarymagazine.com](http://www.commentarymagazine.com) در ۲۶ آوریل ۲۰۱۶، این امر باعث شده است که <http://www.mujahedin-al-khalq-is-a-dishonest-cult/>

### در گزارش RAND آمده است:



Ref: RAND Report, 2009, Page 77

در گزارش مؤسسه ی رند (RAND) آمده است: رجوی و رفتار انتقادی پیکر خود نسبت به منتقدین بیرونی، گروهک منافقان آمریکایی را گزارش ایران کنونی که ایرانیان که آنها را «منافق» و «دزدگو» خوانند. این امر باعث شده است که <http://www.mujahedin-al-khalq-is-a-dishonest-cult/> این گروهی که اعتماد نداشته باشند.



در این خصوص در گزارش وزارت امور خارجه آمریکا در سال ۱۹۹۴ درباره ادعای پشتیبانی مردم ایران از گروهک تروریستی منافقین (مجاهدین خلق) آمده است: این ادعا مورد تردید بسیاری از افراد متخصص در امور ایران می باشد، که اظهار می کنند گروهک منافقین در واقع از حمایت اندکی در میان مردم ایران برخوردار است. آنان استدلال می کنند که فعالیت های این گروه

تهاجم قرار می گیرد.<sup>۱۳</sup> مسعود رجوی که از سال ۱۹۸۱ به فرانسه پناهنده شده بود، تصمیم می گیرد به پیشنهاد همکاری صدام حسین پاسخ مثبت بدهد.<sup>۱۴</sup> در تمام دوران جنگ که هشت سال به طول انجامید، مجاهدین با صدام همکاری کردند. به همین دلیل مردم ایران مجاهدین را خائن به مملکت می دانند که البته جای تعجب ندارد. ۵۰۰/۰۰۰ نفر از ایرانیان در این جنگ کشته شدند و هم زمان، نفوذ مجاهدین در میان مردم، به شدت کاهش یافت بعد از هشت سال جنگ، سرانجام آتش بس میان دو کشور برقرار می شود، اما مسعود تصمیم می گیرد یک تنه جنگ را ادامه دهد و در تاریخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۸، عملیات «فروغ جاویدان» را به راه می اندازد. این عملیات منجر به شکستی در آن کشته می شوند... آن سینگلتون نیز ابراز داشته است که در ژانویه ۲۰۰۱ حدود ۵۰ تن از اعضای این سازمان در ازای اسیران جنگی عراق در ایران مبادله شده اند.<sup>۱۵</sup>

۱۳- کتاب «PMOI: How a political cult transformed to a democratic party»  
 ناتالی گوله، ۲۰۱۳، ص ۲۲  
 ۱۴- همان، ص ۲۲  
 ۱۵- همان، ص ۲۹



از زمان فصولیست که در ایران و کشورهای دیگر تروریسم (مجاهدین خلق) همی پیچید و خون منسوب و ای اسلای و قتل و خبرنگار (R) (شواهد میسلی آنجا هم آثار آن سلعی رفتی و نندسید که او میخیزد و آنجا که او را هلاکت یا احوال عیالیت در (D) و (B) هر کف و زینت و هتلی و سسک و یوان در (الذبح گیری های) خود اسیر آمریکا تطویعه همی را میبوی امتیاز اضافت کنند تا این در میالی اکثر کتک و آتار ایران شی علی ایج. لخریم و هش و بیگتتو که ز نهدود هر دتم غرا هتقا اثار می گانقر سلیا بلین روک همی چنوا لیت گهای می شغل شغلن قریمتلز می شود فرکیه هر آنها هساجتیه بیه گروه هتکلمنا قفسین ای فی ایش آهی چطصور داشتند، در مورد به کارگیری ایرانیان ترک وطن کرده و آشنای با مجاهدین است- این توافق MKO به عنوان گروه اپوزیسیون کار آمد برای براندازی ج.ا.ا اظهار عام وجود دارد که مجاهدین از حمایت اندکی در میان ایرانیان برخوردارند.



باربارا اسلاوین (خبرنگار ارشد روزنامه USA Today) در کنفرانسی تحت عنوان «انتخاب های سیاسی امریکا علیه ج.ا.ا» در واشنگتن، که حدود ۱۰ تن از مقامات سابق سیاسی و نظامی امریکایی در آن حضور داشتند، در مورد به کارگیری MKO به عنوان گروه اپوزیسیون کارآمد برای براندازی ج.ا.ا اظهار داشت:

من هفته گذشته در ایران بودم. با هر یک از ایرانیان که در مورد این گروه صحبت می کردم، از آنان متعجب بودم. اگر امریکا بخواهد به چنین پیشنهادی توجه کند، ایرانیان از آن سرباز خواهند زد و کسی امریکا را همراهی نخواهد کرد.

Ref: USA Today newspaper, 2005/04/14



در گزارش وزارت امور خارجه امریکا در سال ۱۹۹۴ درباره ادعای پشتیبانی مردم ایران از MKO آمده است:

فعالیت های این گروه از زمان فرار مسعود رهوی از ایران در سال ۱۹۸۱ و به خصوص اتماد آنان با عراق و سرکوب ایران بی اعتبار ساخته است.

در میان اکثر کارشناسان، که مسئولیت های شغلی شان مستلزم سفر به ایران، میانه با ایرانیان ترک وطن کرده و آشنای با مجاهدین است، این توافق عام وجود دارد که مجاهدین از حمایت اندکی در میان ایرانیان برخوردارند.

Ref: State Department Report, 1994, the section "EXECUTIVE SUMMARY" And "STRUCTURE"



**Kenneth M. Pollack (کارشناس ارشد و مدیر تحقیقاتی مرکز سیاست خاورمیانه در انستیتو بروکنیگ) می گوید:**

به بهترین شکلی که خواهیم بگوییم این گروه بر اساس جامعه بین المللی دارای حمایت کف در ایران است. درحالی که درست است که در اواخر دهه ۱۹۷۰ و ابتدای دهه ۱۹۸۰ آن ها در ایران تا حدی از حمایت برخوردار بودند، آن ها با پیوند سرنوشت خودشان با **صدام، طبع جنگ ایران-عراق به طرز بدی خودشان را نامشروع کردند.**

Ref: Council of Foreign Relations  
<http://www.cfr.org/world/transition-2005-us-policy-toward-iran/p7605>

من هفته گذشته در ایران بودم. با هر یک از ایرانیان که در مورد این گروه صحبت می‌کردم، از آنان متنفر بودند. اگر آمریکا بخواهد به چنین پیشنهادی توجه کند، ایرانیان از آن سرباز خواهند زد و کسی آمریکا را همراهی نخواهد کرد.

او همچنین طی مقاله‌ای در روزنامه USA Today نوشت: «از بیش از ۵۰ نفری که در سفر اخیرم به ایران در مورد گروهک منافقین سوال کردم، فقط یک نفر نظر مثبت نسبت به آنها داشت».<sup>۱۶</sup>

آقای Kenneth M. Pollack (کارشناس ارشد و مدیر تحقیقاتی مرکز سیاست خاورمیانه در انستیتو بروکنیگ) نیز می‌گوید: اگر بخواهیم در مورد این گروه بیشتر و بهتر توضیح دهیم، آن ها بر اساس جامعه بین‌المللی دارای حمایت کمی در ایران است، به گونه‌ای که در اواخر دهه ۱۹۷۰ و ابتدای دهه ۱۹۸۰ منافقین در ایران تا حدی از حمایت برخوردار بودند و با پیوند سرنوشت خودشان با صدام، طی جنگ ایران-عراق به طرز بدی خودشان را نامشروع کردند.<sup>۱۷</sup>

۱۶- روزنامه USA Today، مورخ ۱۴/۰۴/۲۰۰۵ (۱۳۸۴/۰۱/۲۶)  
 ۱۷- شورای روابط خارجی آمریکا (Council on Foreign Relations)

<http://www.cfr.org/world/transition-toward-iran/p7605-us-policy-2005>

خانم Lilli Gruber که نماینده ایتالیا در پارلمان اروپا و عضو «کمیسیون آزادی مدنی، عدالت و روابط خارجی» پارلمان بوده است نیز در کتاب خود به نام «چادر در قلب پاره ایران» در مطلبی با عنوان «قرص سیانور» می‌نویسد: مجاهدین در میان ملت ایران جایگاه و پایگاهی ندارند، اتحاد با صدام در زمان جنگ و اجرای نقش «مزدورها»ی رژیم بعث عراق، باقیمانده محبوبیت آن‌ها را برای همیشه محو کرد. بر خلاف جوامع یا گروه‌هایی مانند کردها و اتحاد شمال که توسط آمریکا در عراق به کار گرفته شدند، مجاهدین به شدت منزوی و گوشه‌گیر هستند، پایگاه اجتماعی ندارند و شبکه حمایتی نیز ندارند که بتوانند آنها را در عملیات خرابکارانه‌شان کمک کند.<sup>۱۸</sup>



خانم Lilli Gruber که نماینده ایتالیا در پارلمان اروپا و عضو «کمیسیون آزادی مدنی، عدالت و روابط خارجی» پارلمان بوده است نیز در کتاب خود به نام «چادر در قلب پاره ایران» در مطلبی با عنوان «قرص سیانور» می‌نویسد:

مجاهدین در میان ملت ایران پایگاهی ندارند، اتحاد با صدام در زمان جنگ و نقش «مزدورها»ی رژیم بعث، باقیمانده محبوبیت آن‌ها را برای همیشه محو کرد. بر خلاف جوامع یا گروه‌هایی مانند کردها و اتحاد شمال که توسط آمریکا در عراق به کار گرفته شدند، مجاهدین به شدت منزوی هستند، پایگاه اجتماعی ندارند و شبکه حمایتی نیز ندارند که بتوانند آن‌ها را در عملیات خرابکارانه‌شان کمک کند.

Ref: Gruber, Lilli, Chador in the Torn Heart of Iran, Chapter 5, Cyanide Pills

۱۸- گروبر، لی، چادر در قلب پاره ایران، بخش ۵، قرص سیانور



خانم Phyllis Starkey (رئیس گروه بین الاحزاب پارلمان بریتانیا) نیز در جلسه ای که توسط NCRI در تاریخ ۲۰/۰۷/۸۴ در مجلس عوام برگزار گردیده بود، با دیدن ادعاهای دروغین اعضای NCRI در حضور آقای کیم هاولز (از مقامات ارشد وزارت خارجه انگلیس) اظهار داشت:



“

این یک فرقه است،  
مذب سیاسی نیست.  
هیچ حمایتی هم در  
داخل ایران ندارد و قطعی  
برای دور کردن ما از  
مسائل اصلی است.

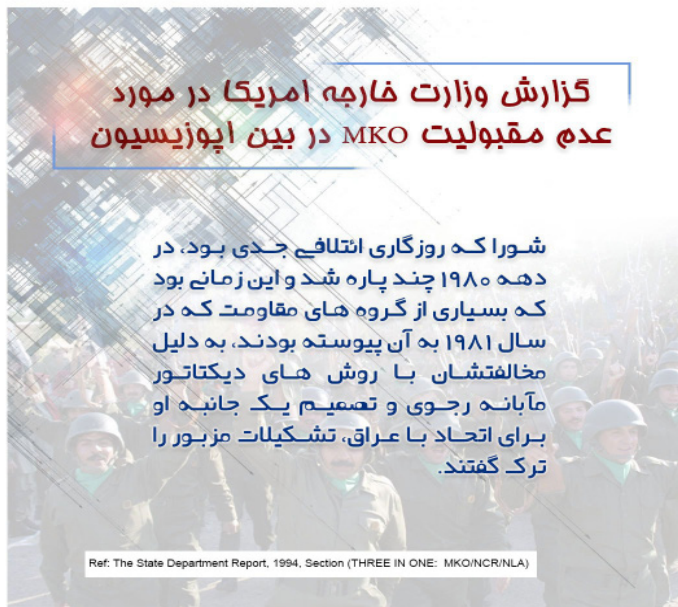
Ref: the website of British Parliament  
<http://www.publications.parliament.uk/pa/cm200506/cmhansrd/v051011/halltext/51011h01.htm>

خانم Phyllis Starkey (رئیس گروه بین الاحزاب پارلمان بریتانیا) نیز در جلسه‌ای که توسط شورای ملی مقاومت ایران یا همان شورای ملی مقاومت در تاریخ ۲۰/۰۷/۸۴ در مجلس عوام برگزار شد، با دیدن ادعاهای دروغین اعضای شورای ملی مقاومت در حضور آقای کیم هاولز (از مقامات ارشد وزارت خارجه انگلیس) اظهار داشت: این یک فرقه است، حزب سیاسی نیست. هیچ حمایتی هم در داخل ایران ندارد و خطی برای دور کردن ما از مسائل اصلی است.<sup>۱۹</sup>

سناتور گوله نماینده پارلمان فرانسه نیز در کتاب خود می‌نویسد: در تظاهرات اعتراضی که در سال ۲۰۰۹ در ایران اتفاق افتاد، سازمان مجاهدین عملاً هیچ نقشی نداشت. هرگز تصویری از مریم یا مسعود رجوی در دست تظاهرکنندگان دیده نشد و در خیابان‌ها، هیچ کس در حمایت از ایشان شعاری نگفت (هیچ تصویری از مسعود یا مریم رجوی مشاهده نشده است. در تمام سایت‌های وابسته به سازمان مجاهدین تنها یک فیلم با کیفیت بسیار پایین از تظاهرات دیده می‌شود که به احتمال قوی با موبایل گرفته شده است و در آن، پرتره بزرگی از مسعود رجوی در مکانی نامعلوم مشاهده می‌شود که به ظاهر ایران است...)<sup>۲۰</sup>

۱۹- سایت پارلمان انگلیس

[/http://www.publications.parliament.uk/pa/cm200506/cmhansrd/v051011/halltext/cmhansrd/v051011h01.htm](http://www.publications.parliament.uk/pa/cm200506/cmhansrd/v051011/halltext/cmhansrd/v051011h01.htm)  
۲۰- کتاب «PMOI: How a political cult transformed to a democratic party» ناتالی گوله، ۲۰۱۳، صص ۱۷ و ۱۸



## گزارش وزارت خارجه امریکا در مورد عدم مقبولیت MKO در بین اپوزیسیون

شورا که روزگاری ائتلافی جدی بود، در دهه ۱۹۸۰ چند پاره شد و این زمانه بود که بسیاری از گروه های مقاومت که در سال ۱۹۸۱ به آن پیوسته بودند، به دلیل مخالفتشان با روش های دیکتاتور مآبانه رجوی و تصمیم یک جانبه او برای اتحاد با عراق، تشکیلات مزبور را ترک گفتند.

Ref: The State Department Report, 1994, Section (THREE IN ONE: MKO/INCR/NLA)

شورا که روزگاری ائتلافی جدی بود، در دهه ۱۹۸۰ تبدیل به چند قسمت شد و این زمانی بود که بسیاری از گروه های مقاومت که در سال ۱۹۸۱ به آن پیوسته بودند، به دلیل مخالفتشان با روش های دیکتاتورمآبانه رجوی و تصمیم یک جانبه ای او برای اتحاد با عراق، تشکیلات مزبور را ترک گفتند.<sup>۲۱</sup>

۲۱- گزارش وزارت امور خارجه امریکا، ۱۹۹۴، بخش «THREE IN ONE»

## عدم مقبولیت منافقین در بین اپوزیسیون

نکنه قابل توجه این است که گروهک تروریستی منافقین (مجاهدین خلق) نه تنها در بین مردم از هیچ حمایتی برخوردار نیست، بلکه علیرغم صرف هزینه های زیاد و فعالیت های وسیع در خارج از کشور، در بین سایر گروه های مخالف هم هیچ جایگاهی ندارد. مواضع منفی اپوزیسیون ایران در داخل و خارج از کشور نسبت به این گروه نمایانگر همین مسأله است.

یکی از دلایل مخالفت عناصر و گروه های اپوزیسیون ایرانی با گروهک تروریستی منافقین (مجاهدین خلق) به علت همه گیر بودن و تمامیت خواهی آن در برخورد با دیگران و مخالفین خود می باشد.

برای مثال مجاهدین خلق (MKO) که اکنون به عنوان شاخه ای سیاسی این گروهک، یعنی شورای ملی مقاومت ایران (NCR)، شناخته می شود، از ابتدا چنین نبوده و چند حزب دیگر نیز ابتدا در شورای ملی مقاومت حضور داشتند؛ ولی با مرور زمان و به علت گرایشات تمامیت خواه سازمان مجاهدین (منافقین)، آرام آرام از آن کناره گیری کردند و به این ترتیب این شورا در ظاهر نیز به شاخه ای سیاسی سازمان مجاهدین خلق (گروهک تروریستی منافقین) تبدیل شده است.

در گزارش وزارت خارجه آمریکا در این باره آمده است:

سناتور گوله در کتاب خود در مورد شکل‌گیری و تغییر شکل این شورا می‌گوید:

مسعود رجوی به همراه بنی‌صدر که در ۲۱ ژوئن ۱۹۸۱ از سمت ریاست‌جمهوری برکنار شده بود، از ایران گریخت.<sup>۲۲</sup> ... این دو در فرانسه، به همراه حزب دموکراتیک کردستان، شورای ملی مقاومت را تشکیل دادند.<sup>۲۳</sup> ... به دنبال تصمیم مسعود برای پیوستن به ارتش صدام در جنگ ایران-عراق، شورای ملی مقاومت (NCRI) عملاً منحل می‌شود چون بنی‌صدر و حزب دموکرات کردستان از آن جدا می‌شوند و تن به این بازی نمی‌دهند. مسعود نیز فیروزه دختر بنی‌صدر را که یک سال قبل به همسری برگزیده بود، طلاق می‌دهد.<sup>۲۴</sup> وی در ادامه به ماهیت فعلی این شورا می‌پردازد و می‌گوید:

سازمان همچنان می‌کوشد خود را به عنوان تنها گروه اپوزیسیون ایرانی جا بزند... این سازمان یک ویتترین سیاسی دارد به نام شورای «ملی» مقاومت که فقط نام «ملی» را یدک می‌کشد و غیر از مجاهدین، هیچ فرد دیگری از هیچ گروهی در آن عضویت ندارد و اعضای آن هم متشکل از افرادی هستند که

MKO/NCR/NLA

۲۲- کتاب «PMOI: How a political cult transformed to a democratic party»، ناتالی گوله، ۲۰۱۳، ص ۲۱۲۵- همان، بند (۳)

۲۳- همان، ص ۲۲

۲۴- همان، ص ۲۳

به نوعی شستشوی مغزی داده شده‌اند. حزب دموکرات کردستان و نیز ابوالحسن بنی‌صدر که در دهه‌ی هشتاد این شورا را بنا نهادند، دیگر در آن عضویت ندارند. این روش البته قدیمی است و در گذشته توسط گروه‌های مختلفی از جمله خمرهای سرخ به کار گرفته شده است که در «جبهه آزادی بخش ملی» آنها فقط کمونیست‌ها عضویت داشتند. سازمان مجاهدین ارتشی هم دارد به نام «ارتش آزادی بخش ملی» (NLA) که در سال ۱۹۸۷ در عراق برای مبارزه با نیروهای ایرانی تشکیل شد. بودجه و امکانات و تسلیحات این ارتش را صدام حسین داد.

حمیدرضا چیتگر (معروف به حمید بهمنی) نماینده حزب کار ایران در شورای ملی مقاومت (NCRI)، در بیانیه‌ای علت اصلی کناره‌گیری حزب خود را چنین عنوان می‌کند: «انقلاب ایدئولوژیک درونی سازمان مجاهدین (گروهک منافقین) و انتقال رهبری جنبش از شورای ملی مقاومت (NCRI) به سازمان مجاهدین (MKO) دلیل این کناره‌گیری می‌باشد».<sup>۲۵</sup> همچنین مهدی خان باباتهرانی، نماینده‌ی «جبهه ملی چپ برای دموکراسی و استقلال» علت خروج حزب خود از شورای ملی را چنین بیان می‌نماید: «سیاست حاکم بر شورای ملی به جای جذب، معطوف به حذف نیروها و شخصیت‌های مترقی و ملی بوده است. شورای متحد چپ در درون شورای ملی با روابطی غیر مردم سالاری و با

۲۵- راستگو، علی، «مجاهدین در آینه تاریخ»، آرنهم هلند، ص ۳۲۵ و ۳۲۶

گسترش شورای ملی می‌باشد. آنها هنگامی با ورود شخصیت و یا سازمانی روی توافق نشان می‌دهند که اطمینان داشته باشند عضو جدید در داخل شورای ملی از سیاست‌های مجاهدین پیروی خواهد کرد و آنها از نام شورای ملی تنها به منظور پیشبرد مقاصد مجاهدین بهره‌گیری می‌کردند»<sup>۲۷</sup>

یکی دیگر از دلایل دیگر مخالفت اپوزیسیون با مجاهدین این است که هر کسی که با صحبت‌های رهبران مجاهدین موافق نباشد از جانب آنها مورد توهین و تهدید قرار می‌گیرد و برچسب‌هایی مانند «مزدور، جاسوس و ...» می‌خورد. برای مثال مسعود رجوی (رهبر مجاهدین) در جزوه‌ای عنوان می‌کند تمام اپوزیسیون به غیر از مجاهدین همگی متحد عملی رژیم هستند. او می‌نویسد: «غیر مجاهدین و غیر شورای ملی را نگاه کنید، تمام مخالفین مقاومت را ببینید، از آنجا که به مردم متکی نیستند، مبارزه قهر آمیز و ارتش آزادیبخش (NLA) هم ندارند و تبدیل شده اند به یک مشت آدم بیکار که تنها زمان و عمر خود را به از بین بردن و در اتحاد عمل عینی با رژیم - علیه مقاومت- دارند.»<sup>۲۸</sup> همچنین وی در نشریه رسمی سازمان در خصوص منتقدان خود نوشته است: «شبه آلترناتیو پوشالی دچار انحطاط شخصیت، لجن پراکن، دارای تحلیل و

۲۷- همان

۲۸- کتاب «New Al-Qaeda in Europe», David Gethin, ۲۰۱۲, ص

۱۰۷ - به نقل از: رجوی، مسعود، تحلیل وضعیت، ص ۶۸



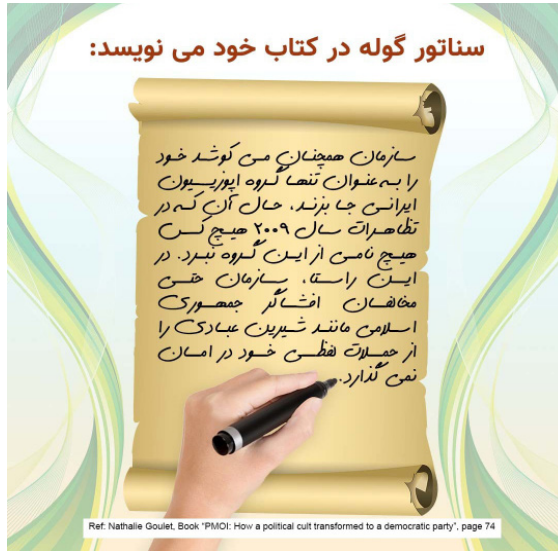
اصول بی‌اساسی روبرو شده است و در اینجا این سوال مطرح می‌شود که آیا می‌خواستیم با کسانی که تحمل کمترین مخالفتی را ندارند آینده کشوری را بسازیم؟»<sup>۲۶</sup>

همچنین «حزب دمکرات کردستان ایران» نیز در بیانیه‌ی کناره‌گیری خود از شورای ملی می‌نویسد: «مجاهدین مخالف

۲۶- همان، ص ۳۴۶



حملات لفظی خود در امان نمی‌گذارد.<sup>۳۰</sup>



Ref: Nathalie Goulet, Book: "PMOI: How a political cult transformed to a democratic party", page 74

یکی دیگر از دلایل دیگر مخالفت اپوزیسیون با MKO این است که هر کسی که با صحبت‌های رهبران MKO موافق نباشد از جانب MKO مورد توهین و تهدید قرار می‌گیرد و برچسب‌هایی مانند «مزدور، جاسوس و ... می‌خورد»

**برای مثال مسعود رجوی - رهبر MKO - در جزوه ای عنوان می‌کند تمام اپوزیسیون به غیر از MKO همگی متحد عملی رژیم هستند. او می‌نویسد:**

غیر MKO و غیر NCRI را نگاه کنید، تمام اضعاد مقاومت را ببینید، از آنها که به مردم متکی نیستند، مبارزه قهر آمیز و NLA هم ندارند، تبدیل شده اند به یک مشت آدم علاف بریده رطوبت کشیده در **اتحاد عمل عینی با رژیم - علیه مقاومت**

REF: The book (New Al-Qaeda in Europe), David Gethin, 2012, P107, According to: Rajavi, Massoud, Situation Analysis, p.68

تفسیرهای آبکی در مورد مواضع و اقدامات مجاهدین و شورای ملی هستند».<sup>۳۹</sup>

سنانور گوله در کتاب خود می‌نویسد:

... سایت ایران رزیست [www.iranresist.org](http://www.iranresist.org) از سایت‌های پوششی مجاهدین با ذکر نام به خانم شیرین عبادی و آقای عبدالکریم لاهیجی حمله کرده است و نه تنها عنوان مقاله خود را گذاشته است «ایران رزیست متهم می‌کند» بلکه آشکارا اعلان کرده است که «سایت ایران رزیست برای نام

سازمان همچنان می‌کوشد خود را به عنوان تنها گروه اپوزیسیون ایرانی جا بزند، حال آن‌که در تظاهرات سال ۲۰۰۹ هیچ‌کس هیچ نامی از این گروه نبرد، در این راستا، سازمان حتی مخالفان افشاگر جمهوری اسلامی، مانند شیرین عبادی را از

۳۰- گروبر، لی لی، چادر در قلب پاره ایران، بخش ۵، قرص سیانور

۳۹- همان، ص ۱۱۰ - به نقل از: نشریه مجاهد، شماره ۳۴۱، ص ۲-۱

و مبارزان است».<sup>۳۳</sup>

«علیرضا نوری زاده<sup>۳۴</sup> عنصر بی‌هویت روشنفکرنا به هر کسی که استخوان به سویش پرت کند لبیک می‌گوید و دم می‌جنباند. مزدور کاسه‌لیس، مزدور اجاره‌ای، لیچارباف علیه مجاهدین».<sup>۳۵</sup>



Ref: Mojahed magazine, Number 39, P10 & 13  
 -One of the oppositions that live abroad  
 -Mojahed magazine, number 321, P13  
 -One of the foreign opposition's publication  
 -The book (New Al-Qaeda in Europe), David Gethin, 2012, P107. According to: Mojahed magazine, Number 320, P23

- ۳۳- کتاب «New Al-Qaeda in Europe», David Gethin, ۲۰۱۲، ص ۱۰۷ - به نقل از: نشریه مجاهد، شماره ۳۲۰، ص ۲۳
- ۳۴- از عناصر اپوزیسیون خارج از کشور
- ۳۵- نشریه مجاهد، شماره ۳۲۱، ص ۱۳

بردگان، حق پاسخگویی قائل نیست». همین سایت مدعی است سازمان خبرنگاران بدون مرز تبدیل شده است به مقر سپاهیان امام خمینی (ره) که لباس روزنامه‌نگاران مخالف را بر تن کرده اند.<sup>۳۱</sup> و این ادعاها در حالی است که خودشان به تمامی آنها بی‌توجه هستند و برای زیر سوال بردن جمهوری اسلامی ایران دست به ارائه این دروغ‌های بی‌پایه و اساس کرده‌اند.

گروهک تروریستی منافقین (مجاهدین خلق) همواره سیاست «با ما یا علیه ما» را در پی می‌گیرد. نمونه‌های دیگری از توهین به سایر اپوزیسیون‌های ایرانی را که در نشریات رسمی گروهک منافقین (مجاهدین خلق) به چاپ رسیده است، در ادامه ذکر می‌کنیم:

«در لگد مال کردن وقیحانه‌ی حقوق بشری و اصول پناهندگی سیاسی، بنی‌صدر<sup>۳۲</sup> روی دست آوندها بلند شده است. نقش بنی‌صدر در خارج، تیز کردن کارد دژخیمان روی گلوی مجاهدان

۳۱- همان، ص ۶۵

۳۲- رئیس‌جمهور عزل شده ایران که به همراه مسعود رجوی (رهبر مجاهدین) به فرانسه گریخت. او شورای ملی مقاومت (NCRI) را با کمک مسعود رجوی بنیان نهاد. مسعود رجوی استفاده بیشتر از موقعیت بنی‌صدر با دختر او نیز ازدواج کرد. اما بنی‌صدر از شورای ملی مقاومت جدا شد و رجوی هم که دیگر استفاده‌ای برای دختر بنی‌صدر نمی‌دید، او را طلاق داد.

«بازرگان<sup>۳۶</sup> و شرکاء دارالتجاره، دارای ملیت ضدملی. داخل ایران هیچ تشکلی سیاسی به نام نهضت آزادی وجود ندارد. بازرگان مانده است و پادوهایی مانند ابراهیم یزدی، مشتت افراد پراکنده که دچار ضعف و زوال شده اند.»<sup>۳۷</sup>

«نشریات نیمروز و کیهان لندن<sup>۳۸</sup> ورق پاره‌ی بقایای ساواک شاه دروغ‌پراکن رذل، ننگین نامه.»<sup>۳۹</sup>

«راه کارگر<sup>۴۰</sup>، محفل ارتجاعی، لجن پراکن. راه کارگر پاچه‌ی مجاهدین و شورای ملی را به دندان می‌گیرد.»<sup>۴۱</sup>

«رضا پهلوی<sup>۴۲</sup> پسرک عقب مانده‌ی شاه مدفون، نفهم. دیروز آجوی منفورش علیه MKO نشخواری می‌کرد.»<sup>۴۳</sup>

زمانی که منافقین می‌بینند راه به جایی نمی‌برند دست به فحاشی زده و می‌خواهند با این کار نفرت خود را نسبت به افراد

۳۶- اولین نخست وزیر ایران پس از انقلاب ۱۹۷۹ و رهبر گروه اپوزیسیون «نهضت آزادی»

۳۷- کتاب «New Al-Qaeda in Europe», David Gethin, ۲۰۱۲, ص ۱۰۸ - به نقل از: نشریه مجاهد، شماره ۲۹۹، اطلاعیه NCRI

۳۸- از نشریات گروه اپوزیسیون خارج از کشور

۳۹- همان، ص ۱۰۹ - به نقل از: نشریه مجاهد، شماره ۳۹، صص ۱۰-۱۳

۴۰- گروه اپوزیسیون خارج از کشور

۴۱- همان، ص ۱۱۰ - به نقل از: نشریه مجاهد، شماره ۳۲۷

۴۲- فرزند شاه سابق ایران که اکنون در آمریکا زندگی می‌کند.

۴۳- همان، ص ۱۰۸ - به نقل از: نشریه مجاهد، شماره ۳۵۳، ص ۱۱





صبحانه- تنها ۳۵ یورو عنوان شده بوده است. با ارسال ایمیل به مسئولین آگهی متوجه می‌شود که برای شرکت در این تور تنها می‌بایست در یک تظاهرات سیاسی شرکت کند و شعارهایی فارسی سردهد. او در تاریخ ۲۱ June ۲۰۱۳ ساعت ۹ شب در ترمینال پراگ سوار اتوبوس مربوطه می‌شود. به گفته‌ی وی تعداد اتوبوس‌های در نظر گرفته شده برای انتقال آنها از پراگ، ۸ دستگاه بوده است. بیشتر مسافران دانشجوی بوده‌اند و از کشورهای روسیه، جمهوری چک، اوکراین، آسیای میانه و غیره بوده‌اند. این دانشجوی قرقیز اظهار داشته که فارسی نمی‌داند و در مورد ایران نیز اطلاع زیادی ندارد. در اتوبوس هم هنگامی که یک دختر روس می‌گوید برای دفاع از حقوق زنان ایرانی به این سفر می‌آید، شخصی صحبت او را قطع می‌کند و عنوان می‌کند: چه کسی به زنان ایرانی اهمیت می‌دهد؟ او حتی از یک پسر آلمانی نیز نقل می‌کند که فکر می‌کرده دارد برای تظاهراتی جهت تغییر در عراق به این سفر می‌آید. در نهایت وقتی آنها به فرانسه می‌رسند می‌بینند که حرفهایی که قبل از سفر به آنها گفته شده بوده سراسر پر از اغراق است. آنها به هتلی منتقل می‌شوند که ۶۰ کیلومتر با پاریس فاصله داشته است و از صبحانه ی خوب نیز خبری نیست.<sup>۴۴</sup> و تمامی این‌ها تنها یک پوشش برای فریب دادن افراد جهت شرکت رد راهپیمایی بوده که بگویند ما بیشتر از ۴۴- سایت رادیو فردا

<http://www.radiofarda.com/content/f-iran-mek-rally-foreign-students-tour-paid-paris/۲۵۰۲۹۵۹۳.html>

## عدم مقبولیت مجاهدین در بین اپوزیسیون

سوالی که در اینجا پیش می‌آید این است که اگر گروهک تروریستی منافقین (مجاهدین خلق) از حمایت مردمی برخوردار نیستند، اولاً جمعیتی که همه‌ساله به مناسبت شروع عملیات مسلحانه‌ی مجاهدین در پاریس گرد هم می‌آمدند، از کجا می‌آیند؟ و ثانیاً پس حدود سه هزار نفری که در آلبانی هستند از کجا آمده‌اند؟

در جواب سؤال اول در مورد جمعیت حاضر در گردهمایی‌های سالانه‌ی مجاهدین در پاریس باید اظهار داشت که اولاً با توجه به فیلم‌ها و عکس‌های پخش شده از رسانه‌های رسمی سازمان، رقم شرکت کنندگان حاضر بسیار کمتر از آن چیزی است که گروهک مجاهدین رسماً اعلام می‌کند. و ثانیاً درصد قابل توجهی از این افراد ایرانی نیستند.

رادیو فردا (بخش فارسی Radio Free Europe) نیز که تحت مدیریت کنگره‌ی آمریکا اداره می‌شود، در گزارشی در مورد گردهمایی ۲۰۱۳ مجاهدین خلق در پاریس به یک دانشجوی قرقیز به نام آلینا آلیمکووا اشاره می‌کند. این شخص که مدتی با Radio Free Europe همکاری داشته است، در مصاحبه با رادیو فردا عنوان می‌کند که در اینترنت با آگهی سفر ارزان قیمت به پاریس مواجه می‌شود که هزینه این سفر -شامل بلیط رفت و برگشت، یک هفته اقامت در هتلی ۴ ستاره همراه با

اینها طرفداران داریم و این در حالی است که تمامی این حرفها دروغ بوده است.

سناتور گوله در کتاب خود با توجه به منابع مالی عظیم سازمان - که در یکی از فصل‌های بعد به آن خواهیم پرداخت - اشاره می‌کند:

به یمن همین منابع مالی مبهم و ناشناخته است که سازمان می‌تواند برای همایش‌ها و تجمعات خود سیاه لشکر از کشورهای دیگر بیاید و به این ترتیب نظر برخی شخصیت‌های فرانسوی را جلب کرده چنین وانمود کند که از حمایت طیف وسیعی از ایرانیان مخالف نظام ایران برخوردار است.<sup>۴۵</sup>

همچنین مجله فوکس، چاپ آلمان نیز در ژوئیه ۲۰۰۷ فاش ساخت که سازمان مجاهدین از یک شرکت آلمانی به نام «House of extras» خواسته است برای مراسم «با شکوهی» که قرار است در هشتم مارس ۲۰۰۷ در بروکسل برگزار کند، تعدادی سیاهی لشکر بفرستد.<sup>۴۶</sup>



About the population present at the annual meetings of the MKO in Paris, it should be noted that, firstly, according to the videos and photos broadcast from the official media of the organization, the number of participants is much less than what the MKO officially announced. And secondly, a significant percentage of these people are not Iranians.

۴۵- کتاب «PMOI: How a political cult transformed to a democratic party»، ناتالی گوله، ۲۰۱۳، ص ۹  
۴۶- همان، ص ۶۱



ویلینت اعزام کرده بود. خبرنگار اعزامی این سایت گزارش داد بود که عده‌ای سومالیایی از لندن و نیز عده‌ای روس و آلمانی و تعدادی از زنان آفریقایی شهرک سارسل (حومه پاریس) در این تجمع شرکت کرده بودند. سازمان تعداد شرکت‌کنندگان را ۹۰ هزار نفر اعلان کرده بود اما گزارشگر این سایت تعداد آنها را ۹ هزار نفر تخمین زده بود. و اینها نمونه‌ای از دروغ‌های آشکار گروهک مجاهدین خلق است.<sup>۴۸</sup>

در فیلم مراسم ژوئن ۲۰۱۰، تصاویری از زنان آفریقایی دیده می‌شود که بیشتر شبیه سیاه پوست‌های ساکن شهرک‌های حومه‌ی پاریس هستند تا حامیان ایرانی سازمان مجاهدین خلق ایران.<sup>۴۹</sup>

در مور سؤال دوم در مورد جذب ۳ هزار عضو گروهک

در سال ۲۰۰۸، یکی از بزرگترین روزنامه‌های کثیرالانتشار لهستان به نام گازتا ویبورژکا خبر می‌دهد که گروهی از ایرانیان عضو شورای ملی مقاومت به شهر دانشگاهی پوزنان رفته‌اند و عده‌ای از دانشجویان را دعوت کرده‌اند تا با پرداخت تنها ۵ الی ۶ یورو به پاریس بروند. شورای مقاومت تمام هزینه‌های سفر با اتوبوس و هتل و غذا را تقبل کرده بود؛ با این شرط که دانشجویان عصر شنبه ۲۸ ژوئن در تجمعی شرکت کنند. تعداد دانشجویانی که به این ترتیب جذب شده بودند به حدود ۵۰۰۰ نفر می‌رسید. دست‌اندرکاران این تجمع به دانشجویان گفته بودند هر کس از شرکت در این مراسم سر باز بزند، می‌بایست تمام هزینه‌های سفر را نقداً پرداخت کند. شبکه‌ی تلویزیونی فرانس ۲۴ نیز در گزارشی که از این مراسم تهیه کرده بود، خبر ورود دانشجویان لهستانی را تأیید کرد.<sup>۴۷</sup>

۴۸- همان، ص ۶۲  
۴۹- همان، ص ۶۳

سایت «Ru۸۹» نیز خبرنگاری به محل برگزاری این مراسم در

۴۷- همان، ص ۶۱

تروریستی منافقین (مجاهدین خلق) در آلبانی باید به چند نکته اشاره کرد:

برخوردار بود جذب سازمان شدند، و یا این که از فرزندان اعضای سازمان هستند که در عراق متولد شده و بعد از فرستاده شدن به اروپا تحت تعلیم افراد سازمان، به قول گزارش RAND سستشوی مغزی شده اند.<sup>۵۰</sup>

البته اینها تمام افرادی نیستند که در عراق حضور دارند. بعد از فرار منافقین به عراق و پیوستن به صدام که کاهش شدید پایگاه اجتماعی آن را به دنبال داشت، به دلیل نبود پایگاه اجتماعی، دیگر نمی‌توانستند با بیان واقعیت جذب نیرو کنند. بعد از این که صدام، کمپ اشرف را به منافقین هدیه داد، این گروه سعی کرد با ابزارهای فشار و ابزارهای فریب، عده‌ای را به داخل اشرف بیاورد.

عده‌ای وجود دارند که در زمان جنگ ایران و عراق به اسارت عراقی‌ها درآمدند. صدام به گروهک تروریستی منافقین (مجاهدین خلق) اجازه داده بود که با رفتن به کمپ اسراء ایرانی، تعدادی از اسرای ایرانی را در ازای پیوستن به منافقین از زندان‌های عراقی بیرون آورد. این عده برای فرار از شرایط سخت اردوگاه‌های اسرای ایرانی در عراق، به ناچار منافقین می‌پیوستند.

عده‌ای دیگر نیز وجود دارند که با وعده‌های دروغین (مانند کار، اقامت در اروپا و ...) به اشرف آورده شده بودند. این مطالب هم در گزارش موسسه‌ی RAND و هم در سایر منابع غربی ذکر

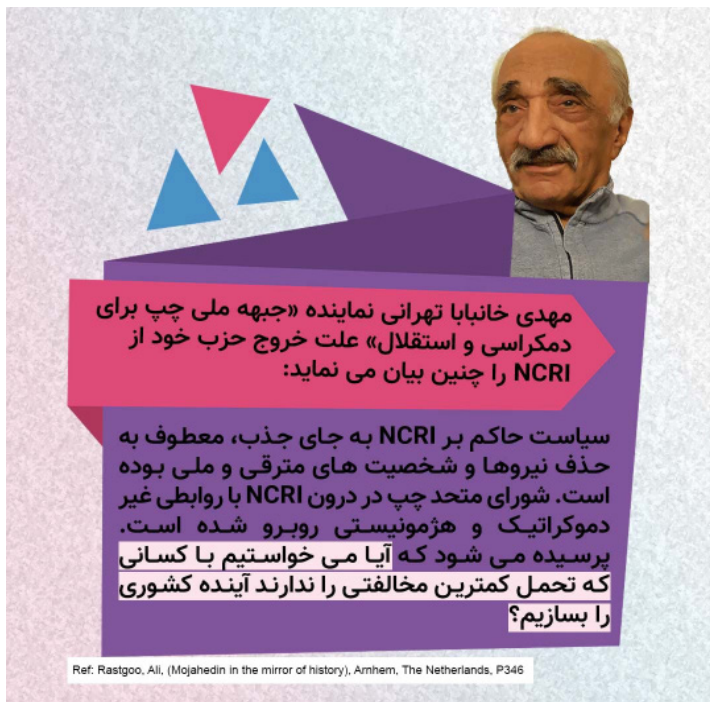
۵۰- گزارش RAND، ۲۰۰۹، ص ۳۹



در مرحله‌ی اول باید توجه داشت که بیشتر افرادی که در پایگاه اشرف در عراق جمع شده بودند یا افرادی بودند که در اوایل انقلاب اسلامی که سازمان از پایگاه اجتماعی بهتری



خلق رفتند، که در آنجا ماندگار شدند.<sup>۵۱</sup>



مهدی خانبابا تهرانی نماینده «جبهه ملی چپ برای دموکراسی و استقلال» علت خروج حزب خود از NCRI را چنین بیان می نماید:

سیاست حاکم بر NCRI به جای جذب، معطوف به حذف نیروها و شخصیت های مترقی و ملی بوده است. شورای متحد چپ در درون NCRI با روابطی غیر دموکراتیک و هژمونستی روبرو شده است. پرسیده می شود که آیا می خواستیم با کسانی که تحمل کمترین مخالفتی را ندارند آینده کشوری را بسازیم؟

Ref: Rastgoo, Ali, (Mojahedin in the mirror of history), Amhem, The Netherlands, P346

۵۱- همان، صص ۳۸-۳۹

شده است.

در گزارش موسسه RAND آمده است:

زمانی که [مجاهدین] ... علیه نیروهای ایرانی در اتحاد با صدام وارد جنگ شد، این گروه خشم مردم ایران را به خود خرید و در نتیجه با کم شدن داوطلب برای پیوستن روبرو شد. لذا دست به جذب نیرو به شیوه های فریبکارانه زد. سازمان مجاهدین خلق طبیعتاً به دنبال معارضین ایرانی بود، ولی همچنین در ارتباط با مهاجران اقتصادی در کشورهایی مانند ترکیه و امارات متحده عربی با دادن وعده های دروغین جهت یافتن کار، زمین، کمک در اخذ پناهندگی در کشورهای غربی و حتی ازدواج، آنان را به عراق کشاند. به بستگان اعضای سازمان، پیشنهاد سفر مجانی به اردوگاه های سازمان مجاهدین خلق جهت دیدار با آنان داده می شد. این افراد جذب شده اغلب به صورت غیر قانونی وارد عراق شده اند و سپس از آنان خواسته شده تا مدارک شناسایی خود را برای «حفظ و نگهداری» تسلیم نمایند. لذا، آنان عملاً در تله می افتاند.

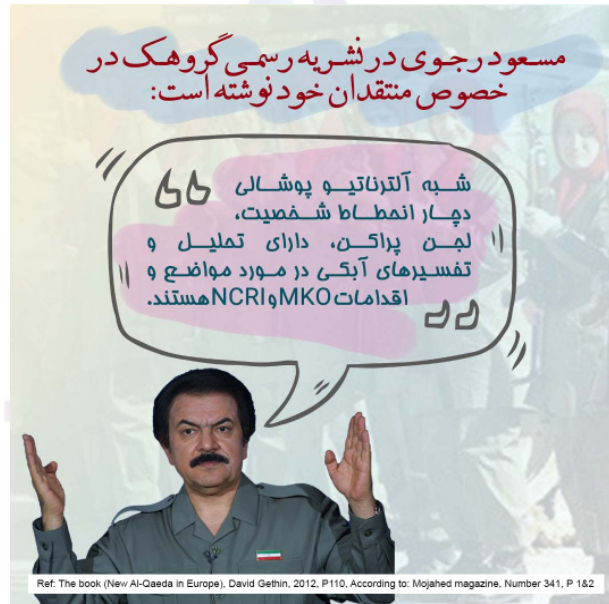
یک شیوهی دیگر جذب نیرو با کمک دولت صدام صورت می گرفت. به اسرای ایرانی جنگ ایران و عراق پیشنهاد می شد تا بین رفتن به اردوگاه های سازمان مجاهدین خلق و سپس بازگشت به ایران و یا ماندن در اردوگاه های اسرا در عراق یکی را انتخاب نمایند. صدها زندانی به اردوگاه های سازمان مجاهدین

در قسمت دیگری از این گزارش آمده است:

... رهبری سازمان مجاهدین خلق روش‌های فریبکارانه‌ی متعددی را جهت جذب قشرهای مختلف ایرانیان به کار گرفت. با کمک دولت صدام، به زندانیان جنگی ایرانی از جنگ ایران و عراق اعلام شد تا بین ماندن در اردوگاه‌های اسرا در عراق یا رفتن به اردوگاه‌های سازمان مجاهدین خلق که آنان در آنجا امکان بازگشت به ایران را خواهند داشت یکی را انتخاب نمایند. جهت جذب کسانی که در ایران زندگی می‌کردند، سازمان مجاهدین خلق خانواده‌های اعضا را به صورت غیرقانونی جهت دیدار با بستگان خود در اردوگاه‌های سازمان در عراق از کشور خارج کرده و سپس مانع بازگشت مجدد آنان می‌شد. سایرین قربانی فریب قاچاق انسان شدند. سازمان مجاهدین خلق با دسیسه‌چینی مسیر ایرانیان که با پرداخت پول به قاچاقچی از ایران خارج شده بودند را به سمت اردوگاه‌های سازمان در عراق

منحرف می‌کرد و اجازه نمی‌داد به مقصد مورد نظر خود بروند.

سازمان مجاهدین خلق، ایرانیان خارج از کشور - برای مثال، پناهندگان اقتصادی، افرادی که به دنبال کمک‌های خیریه بودند و خانواده‌های اعضای در خارج - را نیز هدف قرار داده بود. با حقوق، گرفتن مترجم و کمک در روند درخواست‌های پناهندگی، دیدار آزاد با خانواده، یافتن فرصت‌های درمانی و حتی ازدواج، فریبکارانه به داخل عراق کشانده شدند. تمامی افراد جذب شده از سال ۱۹۸۶ به صورت غیرقانونی به عراق برده شدند و سپس از آنان خواسته شده است تا مدارک هویتی خود را جهت «حفظ و نگهداری» تسلیم نمایند، که در عمل آنان را در مقرهای سازمان به دام می‌انداختند. این یافته‌ها مشخص می‌سازد که عضوگیری در سازمان مجاهدین خلق از سال ۱۹۸۶ واقعا داوطلبانه نبوده است و این افراد تحت اجبار در اردوگاه‌های سازمان در عراق نگاه داشته شده‌اند. در ماه ژوئن سال ۲۰۰۴، JIATF برآورد کرد که از جمعیت اردوگاه اشرف تنها ۵٪



یکی از منابع قابل توجه در این زمینه، مقاله‌ای است به قلم الیزابت روبین از اعضای شورای امور خارجه ایالات متحده که در تاریخ ۱۳ جولای ۲۰۰۳ در نیویورک تایمز منتشر شده است. نویسنده خود از قرارگاه اشرف بازدید کرده است. وی عنوان می‌کند:

اسیران جنگی ایران در عراق دو راه بیشتر نداشتند: یا این که در زندان‌های رژیم بعث می‌مانند یا به عضویت سازمان مجاهدین در می‌آمدند. یکی دیگر از روش‌های سازمان عبارت است از جذب افرادی که برای یافتن کار به دبی یا ترکیه می‌روند، سازمان این عده را با وعده‌های دروغین کاریابی و اخذ ویزا جذب کرده آنها را به عراق اعزام می‌کند.<sup>۵۳</sup>

خانم روبین در لابه‌لای مقاله‌ی خود به سرنوشت محمد، جوانی ۱۹ ساله اشاره می‌کند که برای جست و جوی کار به استانبول می‌رود.

Elizabeth Rubin (۲۴ ref) ۵۳-، روزنامه New York Times، July ۲۰۰۳، ۷

<http://www.nytimes.com/۲۰۰۳/۰۷/۱۳/magazine/۱۳MUJAHADEEN.html?pagewanted=all>

قبل از انقلاب و ۲۵٪ در زمان انقلاب به سازمان پیوسته‌اند. یک بخش عمده (حدود ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ نفر) زندانیان جنگی بوده و ۴۵٪ بعد از رفتن سازمان به عراق در سال ۱۹۸۸ به اردوگاه اشرف برده شده‌اند. بنابراین، محتمل است که ۷۰٪ از جمعیت سازمان مجاهدین خلق با فریب جذب شده و برخلاف میلشان در اردوگاه اشرف نگاه داشته می‌شوند.<sup>۵۲</sup>



۵۲- همان، صص ۳۸-۳۹



شده توسط ویکی لیکس)، به اظهارات یکی از کسانی که به تازگی تصمیم به جدا شدن گرفته است می‌پردازد. در این گزارش، سفارت آمریکا در تأیید این مطلب که سازمان مجاهدین خلق (گروهک منافقین) جهت جلوگیری از جداسدن اعضای خود، مدارک شناسایی شخصی آنها، مانند پاسپورت را نزد خود نگه می‌دارد، می‌نویسد: «یک نفر درخواست کمک نمود تا کاغذهای مصادره شده و دیگر مدارک شخصی‌اش را از اشرف پس بگیرد که شامل پاسپورت و مدارک شناسایی ایرانی بود».

در گزارش موسسه‌ی RAND آمده است که ۷۰٪ از ساکنان اشرف به همان شیوه‌هایی که قبلاً ذکر کردیم، به عضویت سازمان مجاهدین درآمده‌اند. سازمان به محض ورود افراد، پاسپورت و دیگر اوراق هویت ایشان را می‌گیرد تا امکان خروج از عراق برایشان فراهم نباشد. هر بار کسی از مسئولین سازمان بپرسد چه بر سر مدارک افراد آمده است، با این پاسخ آشنا مواجه می‌شود که ... «مدارک به کلی نابود شده‌اند. در اثر بمباران از بین رفته‌اند».<sup>۵۵</sup>

مجری BBC هم با طرح چنین سوالی می‌گوید: چرا این افراد از ابتدا به مجاهدین خلق پیوستند؟ برخی می‌گویند که به آنها قول‌های دروغین کار و پاسپورت داده شده بود. دیگران زندانیان جنگی بودند. برخی دیگر از جنگ ایران و عراق بودند  
۵۵- کتاب «PMOI: How a political cult transformed to a democratic party»، ناتالی گوله، ۲۰۱۳، صص ۳۷-۳۸

او و دوستش در خیابان می‌خوابیدند و وقتی به یکی از اعضای سازمان برمی‌خورند، آن قدر گرسنه بودند که دیگر یارای فکر کردن نداشتند. این فرد از منافقین محمد و دوستش را با خود می‌برد، به آنها جا و غذا می‌دهد و با این وعده که می‌توانند در عراق همه علیه حکومت ایران مبارزه کنند و هم درآمدی کسب کنند، آنها را ترغیب می‌کند که به عضویت سازمان دربیایند. حتی به آنها می‌گوید: این که چیزی نیست، شما حتی می‌توانید با دختران مجاهد ازدواج کنید و تشکیل خانواده بدهید. برای محمد و دوستش این حرفها رهایی بخش بود. آن مرد یک پاسپورت عراقی به آنها می‌دهد و می‌گوید با خانواده‌تان تماس بگیرید و بگویید برای کار عازم آلمان هستید. محمد می‌گوید یک ماه اول چندان بد نبود. اما بعد پروسه مغزشویی در قسمت پذیرش سازمان شروع شد و به دنبال آن نیز نوبت نشست‌های پایان‌ناپذیر "خود انتقادی" بود. مدت زیادی نگذشته بود که او متوجه شد نه از ازدواج خبری است نه از کار و نه از آزادی. به علاوه، حتی حق نداشت با خانواده‌اش تماس برقرار کند و هیچ دوستی هم نداشت. سازمان او را تحت فشارهای همه‌جانبه قرار داد. سرانجام، یک شب طاقتش را از دست داد و ۸۰ قرص دیازپام خورد تا خودش را بکشد. دوستش رگ دستش را زد و مرد اما محمد زنده ماند.<sup>۵۴</sup>

سندی متعلق به سال ۲۰۰۹ از سفارت آمریکا در بغداد (افشا

۵۴- همان

که توسط صدام حسین به مسعود رجوی تحویل داده شدند. بقیه نیز شاید به خاطر این که مجاهدین امیدوارترین اپوزیسیون ایران به نظر می‌رسیدند به آن پیوستند.

نکنه‌ی مورد توجه اینجاست که اگر آنها از حمایت اکثریت برخوردار بودند، دیگر دلیلی نداشت برای فعالیت در داخل ایران به عملیات تروریستی روی آورند و مهمترین موضوع هم این است که منافقین نه تنها در ایران بلکه در خارج از ایران هم از هیچ حمایتی برخوردار نیستند و تمامی حرف‌ها ، وعده‌ها و صحبت‌هایشان دروغی بیش نیست.

The logo for TerrorSpring features a stylized flame or drop shape composed of overlapping, curved segments in shades of blue, purple, and pink. Below the graphic, the word "TerrorSpring" is written in a bold, sans-serif font. "Terror" is in a light purple color, and "Spring" is in a light pink color.

TerrorSpring







**TerrorSpring**

Email: [info@terrorpring.com](mailto:info@terrorpring.com)

Web: [www.terrorpring.com](http://www.terrorpring.com)